

## و اکنون .. چه باید کرد ؟

### کنفرانس مصنوعی دوم بن بربستر دموکراسی و آزادی بیان مافیائی !!



محمد امین فروتن

#### قسمت سوم و آخر :

در قسمت های اول و دوم این مبحث آنچه که ریشه های اصلی مشکلات و دشواری های بحران و فاجعه در افغانستان بشمار می آمد بصورت مختصر اشاره نمودیم و گفتیم که برخلاف اظهارات جلالتمآب کرزی که حین باز گشائی اجلاس مسمی شده به « لویه جرگه عنعنوی » در محضر دوهزار و چند صد تن از « رجال نخبه و رجاله های وارسته » اظهار فرمودند واقیعت های بسیاری در جامعه افغانستان بسی دردناک و غم انگیز به چشم می خوردند . و هرچه داستان این «لویه جرگه عنعنوی » را دنبال کنیم و در این راه به پیش برویم به تدریج عوارض و ضعف های بیشتری در برابر مان ظاهر خواهند شد ، بیاید اکنون که تصادفاً در آستانه برگزاری کنفرانس مشابهی به نام کنفرانس دوم « بن » قرار داریم واین کنفرانس هم پس از مقدمات زیادی که با برگزاری چندین کنفرانس و گردهم آئی تاریخی و غیر تاریخی !!مانند کنفرانس « استانبول ترکیه » و دیگر « حجره نشینی ها » و « پُس ، پُسک ها » اینک براه افتید و با حضور یک قافله بلند رتبه ای از آکا برین وفیلیسوف های !!وطن ما تحت قیادت جلالتمآب کرزی درجامه رئیس جمهور افغانستان !! بالاخیره در شهرتاریخی « بن » آلمان عنقریب آغاز بکار میکند ؛ پس خوب است که با یک امیدواری مالامال از خوشباوری و صداقت به این گردهم آئی نیز سری بزنیم .

آنچه که باید لزوماً به عنوان نخستین انگیزه تدویر چنین گردهم آئی ها و کنفرانس های خورد و بزرگ بویژه کنفرانس بنام « دوم بن » که پس از یک دهه سفر مردم افغانستان و به قول جلالتمآب کرزی «سفر ده سال اخیر ما سفری بود پر بار و پر برکت، افغانستان از هیچ و از تنهایی و از انزوا و از بدبختی و از بیچاره گی و از هیچ نداشتن به کشوری رسیده که میلیون ها فرزند و بچه اش درس میخوانند. هزارها تن دیگر به پوهنتون های کشور میروند، .... هزاران فرزند دیگر ما در خارج

درس میخوانند. صحت عامه ما، شفاخانه های ما، ...» تشکیل شده است نقد و بررسی آن همه وظائفی باشد که از نخستین روزهای تأسیس کنفرانس اول « بن » بصورت مرحله ای از سوی زمامداران افغان تبار افغانستان به اجرا در آورده اند . واقعیت این است که ماهیت وانگیزه این کنفرانس مهم تاریخی و هر اجلاس دیگری باید منجر به اعلام یک آغاز جدید و اساسی در تاریخ معاصر ملت افغانستان گردد و همچنان اصلاحات بنیادین سیاسی و اقتصادی در جامعه را به ارمغان آورد . از سوی دیگر آن همه وظائف و مسؤولیت های که لزوماً اجرا و انجام آن یک مقطع خاص تاریخی و زمانی را لازم دارند باید عمیقاً با توجه به امکانات و ظرفیت های موجود مورد بررسی قرار گیرد که چگونه و با چه دلیل و علتی نتوانستیم آن همه وظائف مهم و خطیری را در یک مقطع لازم تاریخی به اجرا در آوریم .؟! و باید اشتراک کننده گان چنین نشست ها بویژه کنفرانس تاریخی **دوم بن** که نسبت ماهیت سیاسی و تاریخی از خانواده و جنس کنفرانس **اول بن** محسوب میگردد یکبار دیگر نیازهای برآورده نشده در جامعه افغانی را با عینک ده سال گذشته مرور کنند ! و ببینند که مردم و کشور ما در آن زمان در چه مرحله ای از تاریخ قرار داشتیم ؟ و با توجه و ملاحظه به آن موقعیت تاریخی کدامین وظائفی را باید انجام میدادیم که متأسفانه انجام نداده ایم ! و بروی واقعیت های موجود سیاسی و اقتصادی بصورت واقعینانه و « بدون شعار های مرده باد و زنده باد » باید عوامل تأخیر در اجرای وظائف خاصی در تاریخ کشور ما را نشاندهی کرده و با عزم و اراده تازه و تحوّل طلب سیاسی و مبارزه با عوامل بازدارنده ، مسیر حرکت مانرا به مثابه نقشه راه معقول و منطقی تنظیم نمائیم . اینجاست که باید استراتژیی اصلی گردهم آئی « بن » نیز استخراج موازین از پیشرفت های موجود و رسوخ دادن آنها در اذهان مردم ، نو سازی و متحول ساختن اندیشه ها و مغز های روبه رکود و بالاخره ایجاد و کانا لیزه ساختن منطق « خود آگاهی » بوده باشد . باید با احترام کامل به « همه کاره های هیچکاره ! » اعلام کنم و بدانند که اگر بدون توجه به آنچه که فوقاً اشاره گردید هر قدری **زور** می زنند و **زر** می پاشند نه تأثیری می گذارند و نه خود بجائی میرسند ، زیرا علتش اولاً نداشتن دکترین و نسخه مجرب سیاسی و اقتصادی است که توده های ستمدیده جامعه افغان را به مثابه یک ملت قدرتمند رهبری و رهنمائی کنند و ثانیاً فقدان تشکیلات مناسب با اندیشه تحوّل طلب است که به مقتضای شرائط و اوضاع عمومی فرهنگی و سیاسی جامعه افغانی تدوین یافته باشد و برای بدست آوردن آن باید شعور سیاسی و فرهنگی انسان که در قلمرو تاریخی و جغرافیای افغانستان زیسته است بطور کامل مجهز شود .

هیچ کنفرانس ، و هیچ گردهم آئی را نه میتوان کنفرانس و گردهم آئی با هدفی دانیست که بجای عاملین و بیشه ها ، عوامل و ریشه ها را نشانه نگرفته باشند ، کنفرانس دوم بن نیز باید با پیروی از

این اصل زرین ریشه ها را نشان دهد و نشان دهد که چگونه نهال آرزوهای یک ملت و یک تمدن در زمین بیگانه و نا آشنا می خشکد و جان میدهد؟

کنفرانس موسوم به **دوم بن** هم باید عوامل جلوگیری از به درخت مبدل شدن نهال « دموکراسی و جامعه مدنی » را عمیقاً مورد تحقیق کارشناسانه و عالمانه قرار دهند . همچنان تمامی کسان و اهل خبره ای که در کنفرانس **بن دوم** حضور دارند باید حاضر باشند تا چراغ های ذهن و عقل توده های از مردم را برای مشاهده عینی پوسیده گی بسیج کنند ، هوشدار دهند ، بکوبند و در همان کوبیدن ها ، سنگ بنای ساختن و خلاقیت نسل بالنده معاصر در جغرافیای افغانستان را بگذارند.

شرکت کننده گان کنفرانس **دوم بن** باید عوارض و ناملائمات پیوند نامشروع ، کاریکاتوری و مضحک « **مدرنیته با سنت منجمد و دست نا خورده** » در جامعه افغانی را با دلسوزی و اطمینان برملا سازد و باید اعلام کند که مفادات ، موازین و ساختار تجربه شده و شکست خورده نظام « سرمایه داری لبرال و مافیائی » با سنت ها و ارزشهای تاریخی مردم ما کوچکترین و اندکترین سنخیتی ندارند . باید با احترام کامل یاد آوری کرد که منظورم از سنت ها و سنت سازی ، سنت پرستی نیست ، البته در نوشتارهای گوناگون ام بحد کافی با « سنت زدگی » مخالفت ورزیده ام تا نشان دهم که تا چه حد از سنت پرستی دروغین ، کاذب و شرک آلود بیزارم . شرکت کننده گان بویژه مهمانان افغانی تبار کنفرانس **دوم بن** باید با همه وابسته گی منفعت جویانه با نظام معیوب مافیائی سرمایه داری که از یک دهه بدینسو گلون انسان افغان در جامعه ما را می فشارد اعلام کند که تحکیم و نهادینه سازی فرهنگ در جامعه سنتی و تاریخی افغانستان « **کوکا کولا** » نیست که از بازار تهیه کرد و به بهای بلندی در بازار عرضه نمود ، زیرا فرهنگ سیلان و میرزی از اندیشه ها است که نباید در برابر آن در اعتقادات و باورهای مان دیوارچینی درست کرد و از گسترش آن جلوگیری کرد باید پذیرفت که انساج مغز ما همچون رشته های شحم زده ء بی بذری است که سالها خشک مانده است ، روی همین ملحوظ مردم ما احتیاج به بذر اندیشه ها و آبی دارند که این بذر را بجائی برساند. باید بذر تحمل اندیشه ها را نیز تجربه و تمرین کرد و نباید از هجوم صدا های تازه که در آغاز نا مفهوم به نظر می آیند و سپس ابعاد قابل فهم خود را باز می یابند ، وحشت کرد . باید چنانچه در کنفرانس اول بن واقع شد از دیگر شدن ، حتی یکسره دیگر شدن نه هراسید .... هر چند باور داریم و تمامی قوانین فلسفه تاریخ و علوم جامعه شناسی معاصر حکم میکند که وقتی برای

مردم یک جامعه و یک ملت دربرهه ونقطه ای از زمان فرصت فراهم آید تا از آن فرصت ناب و گوهرمانندی برای آستن هسته های زخم خورده و مجروح ملت سازی و احیای فرهنگ معنوی در جامعه استفاده بعمل آرند مگر بنا بر هر دلیل و عارضه ای استفاده از آن لحظه ها را به زمان دیگری واگذار کنند با اقداماتی که در آینده به آن متصل می شوند وبخواهند از آن فرصت ها استفاده کنند نه میتوان در راه باز سازی فرهنگی بویژه مسأله ملت سازی به نتایج مطلوبی دست یافت ، باید با دقت کامل با این فرآیند تکامل توجه داشت .

اما آنچه که به عنوان تنها خواست مردم ستم دیده افغانستان در سینه های اکثریتی از اشتراک کننده گان باید به جوش آید همانا مسأله « مشروعیت » سیاسی و ملی تمامی روند ده ساله حیات مردم افغانستان است که بادریغ وتأسف پس از تدویرنخستین کنفرانس بن بسیار زود از جامعه افغانستان رخت بست و نا پدید شد . و جای آنرا روابط مافیائی ، مناسبات اقتصادی و مبشرین قلابی دموکراسی و حقوق بشر احراز کرد . !

مضافاً اینکه آنچه از نخستین روزهای تأسیس اداره موقت ، انتقالی و سپس منتخب و شبه دموکراتیک درافغانستان می بینیم حضوروحاکمیت « نرم افزاری » استبداد تاریخی بر مردم ما است که گلوی انسان ستمدیده جامعه ما را گرفته و آنرا به اقتضای شرائط هرزمان و در هر قوم و قبیله ای با بی رحمی و شقاوت می فشارد . اما به یقین کامل باید گفت ونه باید فراموش کرد که هزارویک پاسخ !! نیز در برابر این پرسش که چه باید کرد؟ وجود دارد که درفرصت های گوناگون و درصورت ضرورت به آن خواهیم پرداخت . در غیر آن بدون اندکترین تردیدی انتقاد ما از هر شخص حقوقی و حکمی نه « انتقاد » بلکه « انتقام » تلقی می گردد و اکیداً باور دارم که هرگز چنین مباد !

یارزنده صحبت باقی

چهارم نومبر سال ۲۰۱۱ هجری شمسی